



نقش هنر و ادبیات، شعر و داستان در فرآیند هویت‌یابی کودکان.

مریم سلیقه

چکیده

این مقاله جستاری است به این موضوع مهم و اینکه قصه به مثابه اثر هنری جنبه‌های بسیاری دارد که همواره برای پژوهش همچون معنا و تأثیر روان شناختی آن ارزشمند است چرا که قصه‌ها برخلاف شکل‌های دیگر ادبیات، کودک را در راه کشف هویت و معنای زندگی خویش هدایت می‌کند و قصه‌ها به کودک می‌آموزند که برای ادامه تکامل شخصیت فردی چه تجربه‌هایی ضروری‌اند و به آنها اطمینان می‌دهند که یک زندگی مفید و ثمربخش در دسترسی انسان قرار دارد. حتی اگر موانع بسیاری بر سر راه او باشد. اما اگر در برابر مبارزات بسیار وحشتناک، هراسی به خود راه دهد هرگز نمی‌تواند به هویت واقعی خویش دست یابد. همچنین در ادامه مقاله آمده است میراث فرهنگی ما کمابیش به همان اندازه دارای اهمیت است به شرطی که به گونه‌ی درستی به کودک انتقال داده شود و ادبیات برای کودکان خردسال این وظیفه را به بهترین وجه انجام می‌دهد و با توجه به این دیدگاه ادبیات کودکان سهم بزرگی در رشد و تکامل روح و شخصیت کودک دارد. و در این میان قصه و داستان وسیله انتقال و شناخت میراث فرهنگی است و کودکانی که داستان می‌خوانند کمتر اتفاق می‌افتد دچار الیناسیون و خودباختگی فرهنگی شوند و ادبیات کلاً ماهیت دوگانه دارد یعنی هم امکان لذت بردن را فراهم می‌کند و هم شناخت را گسترش می‌دهد و همچنین وارد کردن کودکان و نوجوانان به دنیای شعر ضمانتی است برای حفظ خلاقیت و تداوم نگاه نوجوی آنها. و هر شعر کمک می‌کند که کودک و نوجوان دریافت تازه‌ای از جهان به دست آورد و کودک و نوجوان با خواندن شعر خلاقیت، احساسات قوی نگاه‌های نو و تجربه‌های زیاد شاعر شریک می‌شود و پیشنهادهای آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: هنر، ادبیات، شعر، داستان، هویت‌یابی کودکان.